نگاه

پایان آرمان

• **مهدی محمودیان:** پس از هشت سال بالاخره آرمان و غزاله به هم رسیدند. حالا دیگر همه کسانی که می‌دانستند آن شب، ۱۲ اسفند ۱۳۹۲، چه اتفاقی افتاده از پیش ما رفته‌اند. نه غزاله عزیز مانده است و نه آرمان. دو نوجوان عاشق که جان‌شان در پای این عشق نوجوانی ستانده شد. دیگر نیستند و ما هرگز نمی‌فهمیم در آن شب سیاه چه اتفاقی افتاده و آنچه باقی مانده، دو خانواده عزادار و دو قاب عکس یادگاری است. این حادثه نه اولین مورد بوده و نه آخرین آن. از یک طرف، پدر و مادر آرمان به خاطر یک اشتباه مرگ‌بار فرزندشان هشت سال بود که هر روز می‌مردند و زنده می‌شدند. هشت سال جگرگوشه‌شان را پشت میله‌های زندان می‌دیدند و برای رضایت‌گرفتن از خانواده محترم شکور، هر شرایطی را تحمل می‌کردند؛ اما امروز با همه سختی‌هایی که بر آنها گذشته سیاه‌پوش فرزندشان هستند. از طرف دیگر خانواده‌ای که نه فقط هشت سال است پای سوگ جگرگوشه‌شان نشسته‌اند؛ بلکه جمعیتی، طلبکارانه از آنها انتظار گذشت از کسی را دارند که هشت سال است آنها را سیاه‌پوش عزیز دردانه‌شان کرده و حتی برای‌شان جنازه و قبری هم باقی نگذاشته تا بر سر مزارش اشکی بریزند. امروز غزاله و آرمان آرام‌تر از همیشه خوابیده‌اند؛ اما دو خانواده عزادار، غمگین و پر از داغ از آنها باقی مانده است. یکی از امروز بر مزار آرمانش نشسته و بر پیکر به دار آویخته‌شده پسرش پس از هشت سال زندان می‌اندیشد و بر فراق آرمان و عشقش غزاله می‌گرید. دیگری در خانه نشسته و پس از هشت سال عزاداری نه‌فقط از امروز باید زخم زبان اطرافیان را به خاطر احقاق حقوق قانونی و شرعی خود بشنود، بلکه در کنار عکس غزاله عزیزش تصویر به دار آویخته‌شده پسری را که دخترشان عاشقانه دوستش می‌داشت، به تماشا بنشینند. نمی‌دانم آیا امکان انجام مصاحبه با خانواده‌هایی که از حق قصاص عزیزان‌شان گذشته‌اند یا آن را اجرا کرده‌اند، وجود دارد یا خیر؟ اما آنچه می‌دانم، این است که انسان‌ها، نوعا نمی‌توانند به‌راحتی شاهد جان‌کندن یک انسان دیگر در بالای چوبه دار باشند، کما اینکه اکثریت افرادی که به هر دلیلی مرتکب قتل غیرعمد شده یا در حادثه باعث مرگ یک انسان بودند؛ البته من با تعدادی از آنها گفت‌وگو کرده‌ام که اساسا هیچ‌وقت نتوانسته‌اند به زندگی عادی بازگردند و آن موضوع همیشه همراه‌شان بوده است. در این پرونده نیز مانند ده‌ها پرونده مشابه نه مرهمی برای سختی هشت سال زندان و نهایتا اعدام آرمان و سختی‌های خانواده‌اش وجود دارد و نه خانواده غزاله، مستحق تحمل این‌همه فشار اجتماعی در گذشته و احتمالا در آینده به خاطر پیگیری حق قانونی خود خواهد بود.

خبر

مرگ دزد بدشانس در آخرین سرقت

• سارقی که در حال سرقت سیم و کابل در محدوده شهرک صنعتی بزرگ شهر سمنان بود، دچار برق‌گرفتگی شد و جان باخت. سرهنگ اسدالله ناکینی، فرمانده انتظامی شهرستان سمنان، درخصوص وضعیت این سارق توضیح داد: سارق سیم و کابل پس از برق‌گرفتگی به مرکز درمانی منتقل شد، اما در بیمارستان جان باخت. او افزود: هویت جوان ۳۰ ساله جان‌باخته به‌دلیل برق‌گرفتگی در حین سرقت سیم و کابل به‌دلیل شدت آسیب و سوختگی زیاد قابل شناسایی نیست.

سارقان جنایتکار در انتظار حکم دادگاه

شرق: دو سارق مسلح که به یک طلافروشی در سمنان دستبرد زده و صاحب مغازه را به قتل رسانده بودند، در انتظار حکم دادگاه به سر می‌برند. یکی از این متهمان به‌خاطر شلیک مرگ‌بار، با اتهام قتل عمدی مواجه است و دیگری اتهام مشارکت در سرقت مسلحانه را در پرونده‌اش دارد. دو مرد مسلح روز ۲۸ بهمن سال گذشته به یک طلافروشی در خیابان امام خمینی(ره) سمنان رفتند و دو گلوله به دست و ریه مرد جواهرفروش شلیک کردند. آنها سپس به‌سرعت گریختند. مرد طلافروش بلافاصله بعد از این حادثه در بیمارستان کوثر سمنان بستری شد و کارآگاهان برای شناسایی و دستگیری ضاربان وارد عمل شدند. آنها فهمیدند دو مرد مسلح به یک جواهرفروشی در شاهرود نیز یورش برده بودند. ردیابی‌های گسترده پلیس سبب شد رد آنها در استان گلستان شناسایی شود. بعد از شناسایی مخفیگاه متهمان در بندر درگز، سوم بهمن سال گذشته پلیس برای دستگیری آنها وارد عمل شد، اما متهمان که خود را در حلقه محاصره گرفتار می‌دیدند ترجیح دادند به‌جای تسلیم‌شدن بار دیگر دست به سلاح ببرند. مأموران نیز به‌سوی آنها آتش گشودند و درنهایت دو متهم به بن‌بست رسیدند. بعد از دستگیری این افراد، در بازرسی از خودروی آنها کلت جنگی، صداخفه‌کن و ماسکی که در سرقت طلافروشی استفاده کردند نیز کشف شد. درحالی‌که تحقیقات درخصوص این پرونده همچنان ادامه داشت، سحرگاه یازدهم اسفند از بیمارستان کوثر سمنان خبر رسید مرد جواهرفروش با وجود تلاش پزشکان به‌دلیل جراحت‌های ناشی از اصابت گلوله جان خود را از دست داده است. این‌گونه بود که اتهام قتل نیز به اتهامات دو مرد مسلح افزود شد. درنهایت برای شخص تیرانداز کیفرخواستی با عناوین اتهام قتل عمدی، مشارکت در سرقت مسلحانه در سمنان و شروع به سرقت مسلحانه در شاهرود صادر و برای متهم دوم نیز درخواست مجازات شد. محمد شریف‌ابراهیمی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز سمنان روز گذشته گفت: با تصمیمات و تحقیقات جامع بازپرس پرونده، پرونده سرقت تکمیل و با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شد و پس از اعلام نواقص ازسوی قاضی، پرونده دوباره بررسی و نواقص رفع شد. دادستان عمومی و انقلاب مرکز سمنان ادامه داد: پرونده سرقت اکنون در انتظار صدور رأی دادگاه کیفری یک سمنان است.

قتل دوست قدیمی به‌دلیل تنبلی

شرق: مردی که متهم است همکارش را به‌دلیل تنبلی، با ضربات میله آهنی به قتل رسانده است، در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، متهم قصد فرار از کشور را داشت که در نقطه صفر مرزی ازسوی مأموران شناسایی و بازداشت شد. رسیدگی به این پرونده از دو سال قبل به‌دنبال پیداشدن جسد خونین مرد ۲۷ساله‌ای در ساختمانی نیمه‌ساز در سعادت‌آباد آغاز شد. شواهد نشان می‌داد این کارگر ساختمانی با ضربه جسم سخت به سرش از پا درآمده است. صاحب ملک که با پلیس تماس گرفته و ماجرا را تشریح کرده بود، گفت: صبح وقتی برای سرکشی به ساختمان نیمه‌ساز آمدم، با جسد خونین عزیز روبه‌رو شدم. مرد دیگری به نام نورالله هم در این ساختمان کار می‌کرد اما هیچ خبری از او نیست و به نظرم ناپدید شده است. جسد کارگر جوان با دستور قضائی به پزشکی قانونی منتقل شد و فرضیه دست‌داشتن نورالله در جنایت قوت گرفت. چند روز از این ماجرا گذشته بود که پلیس رد نورالله را در نقطه صفر مرزی یافت و او را بازداشت کرد. این مرد که سعی داشت از کشور بگریزد به دام افتاد و به دعوای مرگ‌بار با همکارش اعتراف کرد. در این میان تلاش برای شناسایی اولیای‌دم بی‌نتیجه ماند و ردی از خانواده عزیز پیدا نشد. بااین‌حال نورالله در دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و به تشریح واقعه پرداخت. او گفت: وقتی با همکارم درگیر شدم، از ترسم میله آهنی را برداشتم و سه ضربه به سرش زدم و گریختم. متهم درباره اینکه چرا چنین جنایتی مرتکب شده است، گفت: من عزیز را سال‌های زیادی بود که می‌شناختم و باهم رفاقت زیادی داشتیم. او زمانی‌که در کشور خودمان بودیم، عاشق یک دختر شد اما دختر را به عزیز ندادند. می‌گفتند تو بی‌پول هستی. ما تصمیم گرفتیم به ایران بیاییم و کار کنیم، تا هم من پول داشته باشم و هم عزیز به دختر مورد علاقه‌اش برسد اما بعد از مدتی شنیدیم که ستاره، دختر مورد علاقه عزیز، ازدواج کرده است و برادرانش او را به عقد

یک افغان در کشور خودشان درآورده‌اند. از آن به بعد عزیز دیگر مثل سابق نبود و کار نمی‌کرد. خیلی تنبلی می‌کرد و همیشه کارهایش را من انجام می‌دادم. متهم ادامه داد: من برای اینکه کارهای خانه و غذاپختن و شستن و تمیزکردن را انجام بدهم، مشکلی نداشتم اما وقتی باهم کار می‌گرفتیم و سرکار می‌رفتیم، همه کارهای ساختمانی را هم من باید انجام می‌دادم و عزیز فقط می‌نشست. من به‌همین‌خاطر ناراحت می‌شدم، چون واقعا خسته می‌شدم و جسمم تحمل این‌همه فشار را نداشت. درنهایت بر سر این موضوع با او درگیر شدم و ضربه‌ای زدم. قصدم از زدن ضربه قتل نبود. بعد از اینکه ضربه را زدم، فرار کردم و دیگر نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد. در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند و طبق ماده ۳۸۶ قانون مجازات اسلامی و با توجه به اینکه اولیای‌دم شنایی نشده و رئیس قوه قضائیه درخواست قصاص را مطرح کرده بود، او را به قصاص محکوم کردند. متهم رأی صادره را قبول نکرد و به دیوان عالی کشور اعتراض فرستاد. این حکم در دیوان عالی کشور تأیید نشد. قضات دیوان عالی کشور خواستند تا نظر کارشناسان پزشکی قانونی درباره علت تامه مرگ استعلام شود. از طرفی بار دیگر تلاش برای شناسایی اولیای‌دم صورت گیرد. با رفع این نواقص و درحالی‌که پزشکی قانونی علت مرگ را ضربه جسم سخت به سر اعلام کرده بود، نورالله در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران یک‌بار دیگر پای میز محاکمه ایستاد و از خود دفاع کرد. او گفت: من و عزیز چند سال قبل برای پیداکردن کار به ایران آمدیم. مدتی بود در ساختمان نیمه‌ساز کار می‌کردیم اما عزیز تنبل بود. او کارهای سخت را به من واگذار می‌کرد. به‌همین‌خاطر چندبار با هم درگیر شده بودیم. آخرین‌بار سر همین موضوع به او اعتراض کردم، اما او فحاشی کرد و به خانواده‌ام ناسزا گفت. به‌همین‌دلیل دعوا میان ما بالا گرفت. من مدت‌ها بود رفتارهای بد او را تحمل می‌کردم اما آخرین‌بار کنترل اعصابم را از دست دادم. او قوی‌هیکل‌تر از من بود و وقتی به سمتم حمله‌ور شد، میله آهنی را از زمین برداشتم و سه ضربه به سرش زدم. متهم درحالی‌که سرش را پایین انداخته بود، گفت: باور کنید نمی‌خواستم عزیز را بکشم. فقط می‌خواستم او را تنبیه کنم تا دست از تنبلی بردارد، اما وقتی بیهوش روی زمین افتاد، ترسیدم. وسایلم را جمع کردم تا از کشور فرار کنم اما بازداشت شدم. این متهم گفت: من پشیمانم و حالا هم هیچ نشانی از خانواده عزیز ندارم. من و عزیز وقتی به ایران آمدیم، تنها بودیم. من او را مانند برادرم دوست داشتم و به‌همین‌خاطر هم مدت‌ها تنبلی او را تحمل کردم، اما آخرین‌بار از کوره در رفتم و اشتباه بزرگی مرتکب شدم. حالا تقاضای بخشش دارم. متهم در پاسخ به اینکه چطور آدرسی از خانواده دوستش ندارد، گفت: عزیز در افغانستان هم تنها زندگی می‌کرد و از اعضای خانواده‌اش افراد زیادی باقی نمانده بودند و بیشتر آنها در جنگ‌های داخلی افغانستان کشته شده بودند. به‌همین‌دلیل هم وقتی عزیز عاشق شد، خیلی به ستاره دل بست. چون فکر می‌کرد تنهایی‌اش تمام شده است. اگر از اعضای خانواده عزیز کسی زنده باشد، من خبر ندارم. بعد از گفته‌های متهم و وکیل‌مدافع او قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.

همدستی زن و شوهری برای کلاهبرداری

زن و شوهری که با ادعای برنده‌شدن شهروندان در مسابقه رادیویی اقدام به کلاهبرداری از آنها کرده بودند، دستگیر شدند. این شگرد کلاهبرداری ازجمله ترفندهای قدیمی است که پلیس تاکنون بارها درباره آن هشدار داده اما هنوز هم شاهد هستیم بی‌احتیاطی برخی شهروندان باعث می‌شود آنها در دام شیادان گرفتار شوند و دارایی خود را از دست بدهد. مدتی قبل شهروندی به پلیس فتای تهران مراجعه و در شکایتی اعلام کرد زنی پس از تماس با او خود را مجری یک برنامه رادیویی معرفی کرده و مدعی شده که او برنده یک مسابقه رادیویی شده است. شاکی توضیح داد: آن زن فضای محیطی را به گونه‌ای ایجاد کرده بود که من تصور کردم واقعا از یک استودیوی ضبط رادیویی با من تماس گرفته شده است. از طرفی دیگر با توجه به اینکه فردی که خود را مجری معرفی کرده بود، صدای خوبی هم داشت، ادعایش را باور کردم و فریب او را خوردم. با توضیحات مالباخته مشخص شد فرد ناشناس از او خواست تا برای دریافت جایزه‌اش سریع به نزدیک‌ترین دستگاه خودپرداز برود و پس از واردکردن کارت عابربانک به دستگاه کدهای مختلفی را که او از پشت تلفن به او اعلام کرده بود، وارد دستگاه کند. شاکی با واردکردن این کدها ناگهان متوجه خالی‌شدن حسابش شد و پس از آن نیز دیگر پاسخی به تماس‌های او داده نشد. ازاین‌رو برای شکایت به پلیس فتا مراجعه کرد. پس از طرح این شکایت رسیدگی به موضوع بلافاصله در دستور کار مأموران قرار گرفت. آنها با انجام اقدامات تخصصی و فنی موفق به شناسایی متهمان شدند و محل اختفای آنان را یافتند. در ادامه مجوز قضائی دریافت شد و مأموران دو متهم را که یک زن و شوهر هستند در مخفیگاه‌شان در جنوب تهران دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند. متهمان در مقر پلیس اعتراف کردند با همکاری یکدیگر تصمیم به چنین اقدامی گرفتند و با ترفند برنده‌شدن در مسابقه اقدام به خالی‌کردن حساب شهروندان کرده‌اند. سرهنگ داوود معظمی‌گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ، با بیان اینکه متهمان به‌همراه پرونده تشکیل‌شده برای ادامه روند رسیدگی به جرم روانه دادسرا شدند، اظهار کرد: تحقیقات دراین‌باره همچنان ادامه دارد. معظمی‌گودرزی به شهروندان هشدار داد به‌هیچ‌عنوان فریب چنین تماس‌ها و وعده‌هایی را نخورده و مطمئن باشند که هیچ‌یک از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برای اعلام برنده‌شدن در مسابقه چنین کاری انجام نمی‌دهند و چنین تماس‌هایی قطعا کلاهبرداری است.

کلاهبرداری با روبات همسریاب

شرق: مجرمان اینترنتی برای فریب شهروندان و دستبرد به حساب بانکی آنها ازطریق روبات همسریاب وارد عمل شدند و توانستند با لینک‌های جعلی طعمه‌های خود را به دام بیندازند. یکی از ساکنان شرق استان تهران چند روز پیش به پلیس فتا رفت و خبر داد از حساب بانکی‌اش برداشت غیرمجاز صورت گرفته است. مأموران وقتی بررسی‌های خود را درباره این دستبرد اینترنتی آغاز کردند، فهمیدند متهم با یک روبات همسریاب فریب خورده است و مجرمان از این طریق به اطلاعات بانکی او دسترسی پیدا کرده‌اند. کارآگاهان تحقیقات جامعی انجام دادند تا اینکه بالاخره توانستند سرنخ‌هایی از متهمان به دست بیاورند و آنها را بازداشت کنند. متهمان وقتی به پلیس فتا منتقل شدند، ابتدا ارتکاب جرم را انکار کردند؛ اما در مواجهه با مستندات جمع‌آوری‌شده، لب به اعتراف گشودند و گفتند ازطریق تبلیغات در کانال‌های تلگرام و استفاده از روبات‌های تلگرامی با عنوان همسریاب، کاربران را به صفحات درگاه‌های جعلی هدایت می‌کرده و با کلاهبرداری به روش فیشینگ، اقدام به اخذ مشخصات کارت بانکی و خالی‌کردن حساب آنها در فرصت مناسب می‌کردند. سرهنگ حمیدرضا سلطان‌آبادی، رئیس پلیس فتای ویژه شرق استان تهران با تأکید بر لزوم هوشیاری شهروندان چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی خاطرنشان کرد: هم‌وطنان برای نیفتادن در دام کلاهبردان فیشینگ در هنگام ثبت سفارش‌های اینترنتی از فروشگاه‌های دارای نماد اعتماد الکترونیک خرید کنند و با بررسی پروتکل (https) از صحت سایت‌ها مطمئن شوند.

ادامه از صفحه اول

بسیج عشق به ایران

حتی اگر بخشی از آب به صنایع اختصاص داده شده است، نمی‌توانیم آب آن را قطع کنیم و باید در مصرف آب در واحدهای صنعتی نیز بهینه‌سازی شود. آیا نمی‌توان درخت‌کاری‌های چهارمحال‌وبختیاری را به سیستم آبیاری قطره‌ای مجهز کرد. آیا نمی‌توان برنج‌زارها و زمین‌های کشاورزی غرقابی اصفهان را به باغات میوه‌های مثمر با آبیاری قطره‌ای تبدیل کرد؟ آیا نمی‌توان صیفی‌کاری‌ها را به سیستم هیدروپونیک مجهز کرد؟ شاید راه‌های بهتری هم وجود داشته باشد. مسئله آن است که هیچ تصمیم خردمندانه‌ای اتخاذ نمی‌شود و اگر هم راه‌حلی مطرح شود، بلافاصله مشکل مالی، پولی و اجرائی مطرح می‌شود. بارها در این یادداشت‌ها و دیگر سخنان گفته شده که این راه به تخریب و نابودی کشور می‌انجامد. مدیریت منفعلانه حاکمیت در قبال آب و خاک کشور باید به یک مدیریت عاشقانه و مسئولانه تبدیل شود. موضوع آب و خاک کشور منحصر به خوزستان، اصفهان و یزد نمی‌شود و کل ایران و حوضه‌های آبریز را دربر می‌گیرد و می‌دانیم همه و همه دچار بحران هستند. البته خشک‌سالی در این بحران نقش دارد، ولی آیا نباید در برابر خشک‌سالی تدبیری اندیشیده شود؟ اینکه دائم به مظاهر شهری رسیدگی شود ولی از عمق فاجعه‌ای که در انتظار کشور است، مردم بی‌خبر باشند و حاکمیت بی‌تدبیری پیشه کند، به تلاشی کشور می‌انجامد. آیا به اینکه بسیج مدرسه عشق است، باور داریم؟ آیا این را که می‌گوییم همه مردم بسیجی هستند، قبول داریم؟ پس در هفته بسیج برای اصلاح امر باید تصمیمات بسیجی بگیریم؛ تصمیماتی برای حفظ ایران و حفظ مردم ایران. بدون ایران و بدون مردم از نظام هیچ باقی نمی‌ماند. مگر نه آنکه بسیج مدرسه عشق است و نه آنکه بسیج مردمی و به قول امام(ره) بسیج ۲۰میلیونی است، پس برای «حفظ ایران» بسیج را مدرسه عشق به ایران کنیم و راه‌حل‌های عالمانه بیابیم و آن را به اجرا بگذاریم. آیا مردم اصفهان و خوزستان که عزیزترین فرزندانشان را فدای ایران کردند، از حرکت بسیجی برای اصلاح آب و خاک و بازگرداندن شادابی به منطقه مرکزی سرکشی می‌کنند؟ اگر راه‌حل عالمانه و مثمری داشته باشیم، زاینده‌رود و گاوخونی احیا می‌شوند. می‌دانیم که گاوخونی فقط برای اصفهان نیست؛ خشک‌شدن آن، قنات‌های یزد و اردکان را هم می‌خشکاند. انفعال در برابر رشد کشاورزی غرقابی و حفر چاه‌های غیرمجاز در سراسر ایران موجب متلاشی‌شدن ایران خواهد شد. اگر این حرف سنگین است و گلوگیر، به‌جای عصبانی‌شدن و انکار، به فکر چاره باشیم. باور کنیم که راه‌حل وجود دارد؛ مگر نه آنکه «ان مع العسر یسرا فان مع العسر یسرا»؟ البته مشروط است بر فکر و باور و طرح برنامه و کارمان. امروز گفتمان مجلس و دولت و مجمع تشخیص نظام و شورای نگهبان باید «حفظ ایران» باشد و از پرداختن به مسائل فرعی و حیدری-نعمتی به شدت پرهیز کرد . تهدیدهای خارجی و محاصره ایران از سوی دشمنان و مقابله مقتدرانه با آن به جای خود، در عین حال باید در اندیشه جلوگیری از فروپاشی داخلی باشیم. با آنکه به‌شدت با گسترش روابط خارجی معتقدیم، اما بدانیم نه پیمان شانگهای و نه اکو و مسافرت‌ها به ما کمک نمی‌کند؛ همچنان که نه سازمان کنفرانس اسلامی و نه اتحادیه عرب کمترین کمکی به فلسطینیان نکردند. اگر «حفظ ایران» گفتمان غالب حکمرانان کشور نباشد، با کمال تأسف، ایران از درون آسیب می‌بیند. از کیسینجر سؤال شده که در برابر ایران چه کنیم؟ او گفته است ایرانی‌ها سیستم خودتخریبی دارند، کاری به کارشان نداشته باشید، خودشان خودشان را تخریب می‌کنند. آیا این گفته این تئوریسین صهیونیست‌ها به واقع نزدیک است؟

جدول ۴۱۰۲ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- پارلمان- از قوانین سه‌گانه فیزیک مکانیک نیوتن- گیسو ۲- دیگ دهان‌گشاد- جایز- شامل همه ۳- فیلمی به کارگردانی ران هاوارد و بازیگری تام‌هنکس ۴- ذکاوت- قوم حضرت موسی(ع)- روزنامه چاپ ترکیه ۵- سخن بی‌پرده- مهربانی- چوپان- حمله نظامی ۶-دگرگونی- هیئت دولت ۷- زبان ترکی- تر و تازه- شیرینی ماه‌رمضان ۸- عمق- رمانی نوشته فریبا وفی- خدمتکار ۹- پیل الکتریکی- جاودانگی- دومین مهره گردن ۱۰- مراسم بزرگداشت- از نام‌های خداوند ۱۱-الفبای موسیقی- خط منشور کوروش- بی‌آغاز- رمق پایانی ۱۲- فرمانده سپاه حضرت داوود(ع) - چاره‌اندیشی- نقاش دانمارکی قرن بیستم ۱۳-نویسنده روسی رمان مرشد و مارگاریتا ۱۴- غریبه- سنگین‌ترین حیوان- درگذشت ۱۵- از القاب اشرافی اروپا- صورتی مایل به قرمز- شیوه تلفظ

عمودی:

۱- اندیشه‌ور- رسته‌ای نظامی- منقار کوتاه ۲-نوعی پوست دباغی‌شده- شیره خشکیده گون- واحد غیررسمی پول ایران ۳- مردار- به‌طور یکپارچه و کامل- نماز هنگام خسوف و کسوف ۴-فیلمی ساخته داریوش مهرجویی با بازی بهرام رادان- تسکین‌دهنده ۵- افتتاح- دستی- الفت ۶- چندرأی- رودی در عراق- کامروا ۷- صندلی دندان‌پزشکی- از خانواده‌های اصلی زبانی ۸- ظرفی برای حمل مصالح ساختمانی- جسم- آشوب، غوغا ۹- از آثار محمدعلی جمالزاده، پدر داستان‌نویسی ایران- مقابل رعیت ۱۰- از هفت قلم آرایش قدیم بانوان- مادر اختراع است- سرپرست ۱۱- چین و چروک پوست- ایراد- لااله‌الاالله گفتن ۱۲- اعتماد- درنگ‌نما ۱۳- برجستگی سفت روی انگشتان- صاف و مسطح- کیسه مشک آهو ۱۴- نوعی زغال‌سنگ- مساوی و برابر- درخت کریسمس ۱۵- اجاق کیک‌پزی- معادل فارسی پرتره- درهم‌ریخته

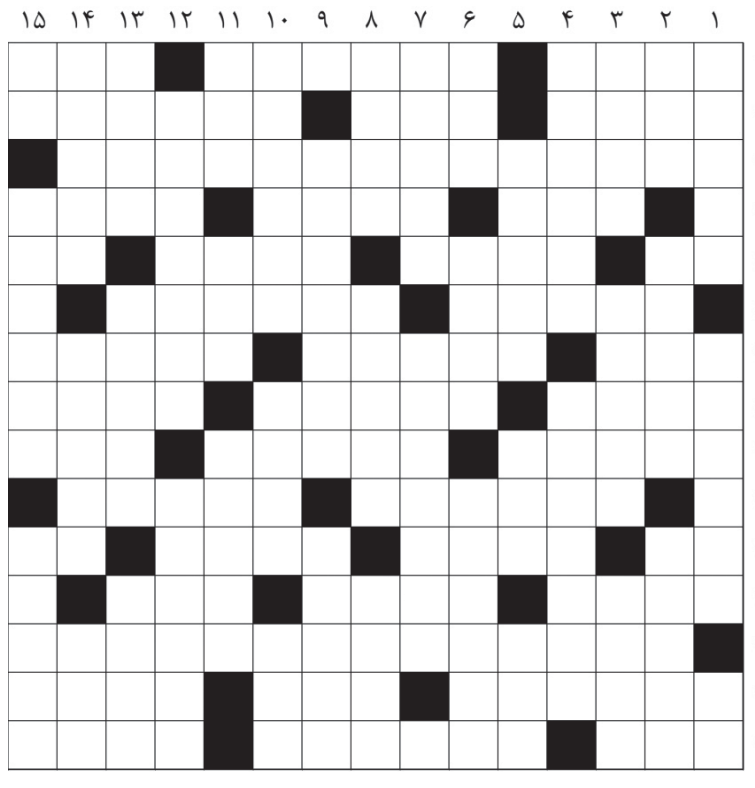

سودوکو سخت ۳۰۹۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۶		۱	۲	۳	
۱		۲				۶		
		۸	۳		۷			۱
		۶			۳	۵	۷	
	۹	۴	۱			۶		
۵			۷		۲	۳		
	۷					۱		۲
	۲	۳	۸		۴			

حل سودوکو سخت

۱	۶	۲	۷	۵	۳	۸	۴	۹
۹	۵	۷	۶	۴	۸	۳	۲	۱
۸	۳	۴	۲	۱	۹	۶	۵	۷
۶	۲	۹	۴	۸	۵	۷	۱	۳
۴	۱	۳	۹	۷	۶	۵	۸	۲
۵	۷	۸	۱	۳	۲	۴	۹	۶
۲	۹	۵	۳	۶	۴	۱	۷	۸
۳	۸	۱	۵	۲	۷	۹	۶	۴
۷	۴	۶	۸	۹	۱	۲	۳	۵

حل سودوکو ۳۰۹۷

۲	۷	۵	۴	۹	۸	۳	۶	۱
۳	۹	۶	۱	۵	۲	۸	۴	۷
۴	۸	۱	۳	۷	۶	۲	۵	۹
۱	۴	۹	۵	۸	۳	۷	۲	۶
۸	۲	۳	۶	۴	۷	۹	۱	۵
۶	۵	۷	۹	۲	۱	۴	۳	۸
۷	۶	۲	۸	۱	۴	۵	۹	۳
۹	۳	۸	۲	۶	۵	۱	۷	۴
۵	۱	۴	۷	۳	۹	۶	۸	۲

سودوکو ساده ۳۰۹۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۳		۴	۵	۹		۷
	۷		۸		۱			۶
۲		۸		۷			۵	
۸	۵	۱					۶	
۷								۱
	۶					۵	۷	۳
	۴			۲		۶		۸
۱			۴		۹		۳	
۳		۷	۱	۸		۴		

جدول ۴۱۰۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ر	ی	ش	ب	ا	ب	ا	■	ا	م	ب	ا	پ	ه	■
۲	و	ت	■	خ	و	ش	ب	ا	و	ر	■	ل	ا	م	ل
۳	ا	ی	ف	ا	■	ک	ن	د	ر	■	ت	ا	ر	ا	ج
۴	■	م	ز	ر	ع	ه	■	و	س	ا	ط	ت	■	و	ب
۵	ا	خ	و	ا	ت	■	ر	ا	ت	ب	ه	■	چ	ر	ا
۶	خ	ا	ن	■	ر	ا	و	ر	■	د	ی	ا	ل	ی	ز
۷	ت	ن	■	ا	ت	ح	ا	د	■	ا	ر	و	س	■	■
۸	ن	ه	ن	د	■	س	ن	د	ا	ن	■	ر	ی	خ	ت
۹	■	و	ی	د	ا	■	س	ر	ا	م	د	■	ا	ک	■
۱۰	ط	ر	ا	ب	ل	س	■	ت	ش	ن	ه	■	ف	ن	ر
۱۱	ا	ک	ر	■	چ	ا	ر	ق	د	■	ل	ا	ی	ک	ر
۱۲	ر	خ	■	خ	س	ت	ک	ی	■	م	ت	ک	د	ی	■
۱۳	م	و	ا	چ	ب	■	ب	چ	ک	ی	■	و	ل	ر	م
۱۴	ی	ا	ر	و	■	ب	ا	ی	و	ن	ی	ر	■	ا	ی
۱۵	■	ب	د	ل	ک	ا	ر	■	ی	ا	ر	د	ا	ن	ک